اخبار کوتاه

کارگاه ضایعات ۶۰۰ متری زیر آتش

تماس تلفنی چند نفر از ساکنان شمال شرقی شهر مشهد با سامانه ۱۲۵ مبنی بر آتش‌سوزی سوله بزرگ یک کارگاه ضایعاتی، تیم‌های امداد و نجات و اطفای حریق آتش‌نشانی مشهد را از ایستگاه‌های ۲، ۶، ۸، ۱۸، ۳۸ و ۴۲ سر خط این حادثه کرد. مأموران آتش‌نشانی بعد از دریافت این خبر به همراه ۱۰ دستگاه خودرو سبک و سنگین اطفای حریق و همچنین خودرو تورو بوفن در کمترین زمان خود را به انتهای بولوار پنجتن رساندند. در بررسی‌های اولیه مأموران مشاهده شد که کانون حریق یک سوله ششصد متر مربعی متعلق به یک کارگاه فرآوری ضایعات پلاستیکی است که بخش زیادی از آن زیر آتش است. اشتعال‌پذیری مواد موجود در این انبار هم مزید بر علت اوج گیری حریق بوده و به همین دلیل زبانه‌های آتش در حال پیشروی و سرایت به دیگر مکان‌های مجاور است. آتش‌نشانان مشهدی پس از پایان ارزیابی و بررسی‌های ابتدایی به نبرد با آتش پرداختند و بعد از گذشت ساعتی این حریق را مهار کردند. مدیر منطقه ششم آتش‌نشانی مشهد در این باره گفت: کارگاه مورد نظر بدون هرگونه سیستم اعلام و اطفای حریق و بیمه‌نامه آتش‌سوزی بوده است. آتشپاد سوم مرتضی باقری ادامه داد: این حادثه خوشبختانه خسارت جانی نداشته اما آتش خسارت مالی فراوانی به این واحد تولیدی وارد کرده است. علت این حادثه هنوز مشخص نیست و تحقیقات میدانی برای علت‌یابی حریق ادامه دارد.

واژگونی مینی‌بوس در مشهد

مسئول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد از حادثه واژگونی یک دستگاه خودروی مینی‌بوس در یکی از بولوارهای این شهر خبر داد. محمد علیشاهی در تشریح جزئیات این حادثه خونین به مهر گفت: صبح دیروز یک دستگاه مینی‌بوس به علتی نامعلوم در بولوار آزادی مشهد دچار سانحه و واژگون شد. این مقام مسئول ادامه داد: با اعلام این حادثه به اورژانس بلافاصله چند تیم امدادی به محل اعزام شدند. در بررسی‌های اولیه مأموران اورژانس مشخص شد که در اثر وقوع این سانحه رانندگی درون شهری ۸ نفر از سرنشینان مینی‌بوس مصدوم شده‌اند. علیشاهی بیان کرد: مصدومان با ۳ دستگاه آمبولانس به بیمارستان سوانح و حوادث طالقانی مشهد منتقل شدند و حال عمومی آن‌ها مطلوب است.

حوادث

داستان جنایی

سلیم موتوری

(قسمت اول)

ایلیا موسایی

آن قدیم‌ها، آن وقت‌ها که سلیم، سلیم بود، به زنش گفته بود که: «مادرسته فقیریم ولی مرد باید خصلت داشته باشه» و حالا محبوبه خوب این حرف‌ها را یادش بود. و مدام توی ذهنش مرور می‌کرد که این حرف‌های درهم را ببافد به اتفاقاتی که این روزها افتاده بود. چیزهایی که مدام از شوهرش «سلیم آقای خوب» رو می‌شد وهِی جایی از قلب محبوبه را می‌چزاند.

سلیم آن وقت‌ها که سالم بود هم لاغر بود. می‌گفت: «...دود و دم موتوری باید دود اگزوز موتورش باشه...» گونه‌هایش کمی فرورفته بود و صورت ته‌ریش‌دارش را سایه می‌انداخت. ولی وقتی حرف می‌زد، طرزِ حرف‌زدنش نمک داشت. بقیه هم همین را می‌گفتند. ولی خراب کرد و کارش به گرفتاری کشید؛ معتاد شد. بعد سلیمِ لاغر، شد سلیمِ استخوانی و آن روزها که تابستان هم بود وقتی از سرَ ظل ظهر با موتور قارقاری اش می‌رسید، محبوبه می‌دید که پیراهن تترونی چطور به تنَ عرق‌کرده سلیم چسبیده و دنده‌های برجسته پهلویش توی ذوق می‌زد. این‌ها موقعی بود که دندان‌های هردو طرفش را کرم خورد و از فرط دود و دم پوک شدند و جای خالی آن‌ها توی صورتِ سلیم با آن گونه‌های فرتوتِ فرورفته پیدا بود. حالا سلیم که حرف می‌زد نمکِ قدیم‌هایش را نداشت و صورت بی‌ریخت دودگرفته‌ای به‌هم زده بود. یکجورهایی توی مغز آدم زُق زُق می‌کرد و وقتی به نطق کردن سلیم می‌رسید محبوبه دوست داشت بگوید تویکی دیگر حرف نزن.

سلیم اگر آن حرف‌ها را یک بار زده بود در عوض بارها گفته بود: «مرد باید دور زنش بگرده» و حالا یک ماهی می‌شد که درگیر ماجرای آن زن بودند و محبوبه توی فکرش رشته‌های این خیالات را به هم وصل می‌کرد و هر چه با خودش فکر و گمان می‌بافت باز جایی از دلش رضا نمی‌داد و سایه غلیظ شک و ظن، حساب کتاب‌های محبوبه را به هم می‌ریخت.

سلیم آن وقت‌ها که شروع کرده بود مسافرکشی با موتور، اوضاع کاسبی خوب بود ولی بعد کم کم همه چیز مثل تنَ خود سلیم از ریخت افتاد و ناجور شد؛ انگار مثل دندان‌های سلیم به همه چیز کِرم افتاده بوده و آرام آرام خورده می‌شد.

شاید این راست باشد و شاید هم دروغ. یک شب که سلیم روی قارقارکش می‌رفته یک زن حدوداً چهل ساله را گوشه خیابان دیده. زن تندوتند دست تکان داده بود. چادر مشکی خاک گرفته‌اش زیر نور حاشیه خیابان پیدا بود و سلیم این دل و آن دل کرده بود که چه کند و آخرسر، دلِ پررحمش موتور را ده‌متر جلوتر نگه داشته بود. زن که حرف زده بود، التماس از کلمه‌هایش می‌بارید که دیسک کمر دارد و کاش سلیم برادری کند و زن را مثل خواهرش تا دم بازار چه برساند بلکه زن هم تا جایی که بتواند برایش خواهری کند و یک دختر خوب عین پنجه آفتاب از در و همسایه و آشنا برای سلیم پیدا کند. سلیم خندیده بود. گفته بود: «خواهر جان خودم زن دارم» زن همانطور که گوشه چادرش را به دندان گرفته بود پشت سرهم دعاهای نامفهوم به جان سلیم می‌خواند و سوار موتور شد. تا سلیم به خودش بیاید دیده بود که زن را ترک موتور سوار کرده و دارد می‌برد به طرف بازار چه.

این‌ها را سلیم می‌گوید و محبوبه نمی‌داند باور کند یا نه. سلیم حتی می‌گوید زن شروع کرده بود به گفتن از نداری و فقر و تنهایی آنقدر حرف زده بود که سلیم بیچاره نفهمید چه شد و سرکدام حرف بود که موضوع پیچید روی صیغه و زن خواسته بود که زن دوم سلیم بشود.

خودش قسم و آیه می‌خورد که وقتی حرف به اینجا رسیده، سکوت کرده و هیچ جوابی نداده. می‌گفت: «به دلم افتاد صلاح اینه که جواب ندم»

محبوبه می‌گفت: «پس چرا دست و رنمی‌دارن اینا و عین اجل یک ماهه پاپیچ ما هستن»

همین جاها بود که سلیم مجبور می‌شد بخش دوم روایت را بگوید و هی نق بزند که پشت دستش را داغ می‌کند که دیگر به کسی خوبی نکند. زن که حرف‌هایش را زده بود یک پژو آردی قراضه بوق کشان کرده بود که بزنند کنار و پیچیده بود جلوشان. سلیم هم تا به خودش بیاید وقتی ایستاد و از راننده دوسه تا توگوشی خورد دوزاری اش افتاد که بنده خدا برادر زن بوده و حالا با قالی بار کن...

سردار غلامرضا جعفری، فرمانده انتظامی استان هرمزگان:
مأموران پلیس مبارزه با قاچاق موادمخدر در عملیاتی غافلگیرانه ۱۵ سوداگر مرگ را دستگیر و ضمن توقیف ۴ دستگاه خودروی آن‌ها یک هزار و ۲۲۵ کیلوگرم تریاک را از این افراد کشف کردند.

دفن جنایت میان زباله‌ها

بامداد روز گذشته جسد زنی جوان از سوی کارگران شهرداری درون سطل زباله کشف شد

محمد جواد ابوعطا
m.abouata@shahraranews.ir

مرد جوان که لباس مخصوص کارگران شهرداری را به تن داشت، زودتر از دیگران به سطل بزرگ زباله رسید. سطل مملو از آشغال بود و او وظیفه داشت تا رسیدن کامیون حمل زباله‌ها شرایط محیطی برای حمل سطل را مهیا کند. ریختن زباله‌های ساختمانی درون سطل‌های زباله شهری گذشته از غیرقانونی بودن، عملی ضد فرهنگی تلقی می‌شود، موضوعی که کارگران شهرداری موظف هستند قبل از تخلیه زباله‌ها آن را بررسی کنند. مرد جوان نیز مانند همیشه مشغول بررسی زباله‌ها شد، اما ناگهان با صحنه‌ای عجیب روبه‌رو شد، صحنه‌ای که شاید در تمام طول عمرش یک بار هم آن را ندیده بود، او هنگام جابه‌جایی زباله‌ها ناگهان پای یک انسان را دید که از درون آشغال‌ها بیرون زد.

کارگر جوان هراسان از صحنه‌ای که دیده بود، سایر همکارانش را مطلع ساخت. دقایقی بعد چند کارگر هم دور سطل بزرگ زباله شهری را گرفته بودند و ناباورانه درون آن را نگاه می‌کردند، ولی کسی یارای دل سپردن به حقیقت را نداشت. همه نگاه‌ها معطوف به همان کارگری بود که اول صحنه را دیده بود، انگار فقط او مجوز جابه‌جایی زباله‌ها را داشت. کارگر جوان که دیگر شجاعتش را باز یافته بود، دست به کار شد و چند لحظه بعد با پیکر بی‌جان زنی جوان روبه‌رو شد.

گزارش موضوع به پلیس ۱۱۰

کارگران بدون اینکه اجازه بدهند کسی به صحنه نزدیک شود موضوع را به پلیس ۱۱۰ اعلام کردند و دقایقی بعد تیمی از افسران کلانتری قاسم‌آباد در محل واقع در انتهای بولوار شریعتی خیابان ابرار چهار حاضر شدند. مأموران با کشیدن نوار زرد رنگی که رویش نوشته شده بود «صحنه جرم، ورود ممنوع» شهروندان کنجکاو را از صحنه دور و اقدامات قانونی خود را آغاز کردند. موضوع بلافاصله به بازپرس ویژه قتل دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ مشهد گزارش شد.

ورود تیم جنایی به محل

از زمان کشف اولیه جسد حدود نیم ساعت می‌گذشت که ساعت ۲ بامداد، تیم جنایی با راهنمایی قاضی علی‌اکبر احمدی‌نژاد در محل حاضر شدند. احتمال اولیه حکایت از وقوع یک جنایت داشت، فرضیه‌ای که پس از بررسی پیکر متوفی قوت گرفت. براساس بررسی‌های بعدی مشخص شد که جسد متعلق به زنی بین سی تا چهل ساله بوده که دست چپش احتمالا براثر شکستگی هنوز درون گچ بود. مانتوی مشکی، شلوار سفید و روسری مشکی بر تن جسد بود. آنچه در همان لحظات اول نظر بازپرس شعبه ۲۰۸ دادسرای ناحیه ۲ را به خود جلب کرد، ضربه‌های چاقویی بود که شانه‌های مقتول را خراشیده بود. اما کبودی دور گردن نشان می‌داد که زن جوان براثر خفگی جان باخته است.

احتمال درگیری پیش از قتل

خراشیدگی‌های ناشی از اصابت چاقو بر روی شانه‌های مقتول این فرضیه را قوت می‌داد که احتمالا این فرد پیش از مرگ با قاتل یا قاتلان درگیر شده است. هیچ وسیله و کارت شناسایی به همراه مقتول نبود، که مطمئنا متهمان برای ردگم کنی آن‌ها را برداشته بودند. بررسی‌های میدانی کارآگاهان پلیس آگاهی برای شناسایی شاهدان احتمالی در آن ساعت صبح که رفت و آمد‌ها به حداقل ممکن می‌رسد، بی‌نتیجه ماند، موضوعی که متهمان با سوءاستفاده از آن قصد داشته‌اند، جنایتشان را مخفی کنند.

به دستور قاضی احمدی‌نژاد، جسد برای مشخص شدن علت دقیق مرگ و همچنین احراز هویت به پزشکی قانونی منتقل شد. اما آنچه در پرونده این جنایت به عنوان سرنخی مهم محسوب می‌شود و قطعیت دارد، موضوع ساعت وقوع جنایت است که براساس بررسی‌های اولیه ساعت مرگ همان شب و چندین ساعت قبل از کشف جسد رخ داده است.

افراد مطلع به دادسرا مراجعه کنند

قاضی احمدی‌نژاد، بازپرس ویژه قتل از شهروندانی که اطلاعاتی در این باره دارند خواست تا با مراجعه به بازپرسی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه دو مشهد واقع در خیابان کوهسنگی یا به پلیس آگاهی مراجعه کنند.

عکس: نوشتی است

اخبار جهان

افزایش قربانیان انفجار بیروت

لبنان- فارس/ فرمانده ارتش لبنان در کنفرانسی مطبوعاتی از افزایش کشته‌های حادثه انفجار مهیب بیروت به ۱۹۱ نفر خبر داد. این مقام مسئول لبنانی بیان کرد که پرونده مفقودان انفجار بسته نشده است. علاوه بر این جست‌وجو در محل برای شناسایی ۹ مفقود این حادثه همچنان ادامه دارد. انفجار بندر بیروت ۶۵۰۰ نفر زخمی در پی داشته است که برخی از این افراد هنوز در بیمارستان بوده و برخی ترخیص شده‌اند.

تیراندازی مرگ‌بار در یک مهمانی

آمریکا- ایسنا/ بامداد دیروز در پی تیراندازی در یک مهمانی که در حیاط خانه‌ای در روچسترِ نیویورک اتفاق افتاد ۲ نفر به ضرب گلوله کشته شدند. در این حادثه ۱۲ نفر دیگر هم مجروح شدند. به گفته پلیس نیویورک بیش از ۱۰۰ نفر در این مهمانی حضور داشته‌اند و هنوز فرد یا افراد ضارب شناسایی و دستگیر نشده‌اند. قربانیان این حادثه ۱۸ و ۲۲ سال سن داشته‌اند.

ابتلای ۱۳ هزار نفر به کرونا در یک روز

فرانسه- باشگاه خبرنگاران/ در ۲۴ ساعت گذشته بیش از ۱۳ هزار و ۲۰۰ نفر در فرانسه به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند. یکی از این مبتلایان جدید برونو لومر، وزیر اقتصاد فرانسه است که اکنون در قرنطینه به سر می‌برد. تاکنون بیش از ۳۰ میلیون نفر در جهان به کرونا مبتلا شده‌اند که از این تعداد، بیش از ۹۵۷ هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند.

زنده‌گیری مار سمی از سرویس بهداشتی

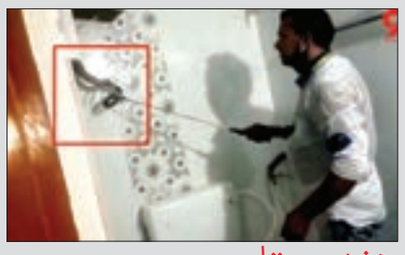

هندوستان- رکنا/ یک مار سمی کبری که داخل کمد دیواری سرویس بهداشتی خانه‌ای در روستای ایکاچالیا پنهان شده بود از سوی صاحب خانه زنده گیری شد. مرد هندی ابتدا تصور کرده بود که دم بیرون زده مار از داخل کمد متعلق به یک مار مولک است اما به محض باز کردن کمد با یک افعی سمی چهارفوتی روبه رو شده است. این مار کبرا پس از زنده گیری در طبیعت رها شد.

سقوط هواپیمای باری

سومالی- آناتولی/ یک فروند هواپیمای باری متعلق به شرکت اسکای وارد کنیا در فرودگاه پایتخت سومالی سقوط کرد. این هواپیما ۴ سرنشین داشته که پس از برخاستن از باند در آسمان شهر بلدوینا در مرکز سومالی به دلیل نقص فنی به فرودگاه موگادیشو بازگشته و دچار این حادثه شده است. هنوز خبری از تلفات و خسارات احتمالی این حادثه گزارش نشده است.

ترور یک مسئول افغانستانی

افغانستان- ایلنا/ ایوب غروال، معاون شورای ولایتی پکتیا روز گذشته هنگام رفتن از دفتر کارش به دانشگاه گریدز از سوی افرادی ناشناس هدف تیراندازی قرار گرفت. این مقام مسئول افغانستانی در این حادثه که به شدت زخمی شده بود پس از انتقال به بیمارستان بر اثر شدت جراحات وارده جان باخت. هنوز هیچ گروهی مسئولیت این حمله تروریستی را برعهده نگرفته است.

محکومیت ۳۸ میلیاردی متهم برنجی

فردی که در شهرستان سبزوار اقدام به عرضه یک محموله سنگین برنج خارج از شبکه دولتی کرده بود به ده‌ها میلیارد ریال جریمه نقدی محکوم شد. مدیر کل تعزیرات حکومتی استان خراسان رضوی در تشریح جزئیات این پرونده گفت: در پی اعلام گزارشی از سوی اداره صنعت، معدن و تجارت سبزوار مبنی بر عرضه ۱۱۸ هزار کیلوگرم برنج پاکستانی خارج از شبکه، تحقیقات اولیه انجام و پرونده فرد متخلف برای رسیدگی در شعبه اول تعزیرات حکومتی این شهرستان گشوده شد.

سیدمرتضی مدنی بیان کرد: پس از تکمیل تحقیقات پرونده و طی شدن مراحل قانونی مشخص شد که این محموله برنج پاکستانی، خارج از استان خراسان رضوی فروخته شده است. این مقام مسئول ادامه داد: در نهایت پس از انجام بررسی‌های تکمیلی و محرز شدن تخلف، متهم این پرونده علاوه بر عرضه کالا در شبکه، به پرداخت مبلغ ۳۸ میلیارد و ۸۹۷ میلیون و ۶۰۰ هزار ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم شد. شایان ذکر است که هم اکنون این پرونده در مرحله اجرای حکم قرار داد.
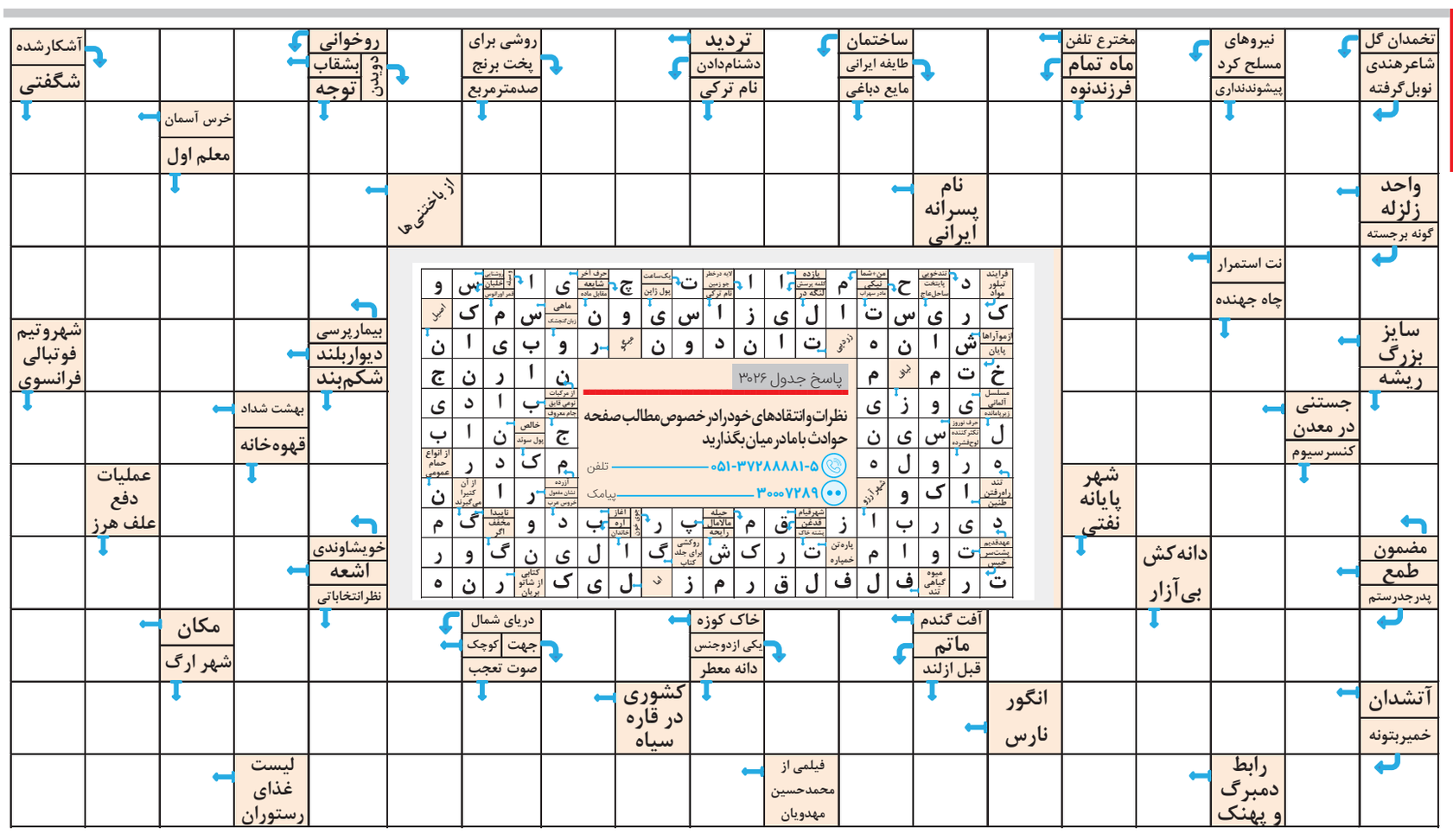
جدول شماره: ۳۰۲۷
طراح: محمدرضا علیزاده